

دراسة أثر تعدد الإجتهد في محاربة التطرف^١

محمد رضا خوشخو*

حسين رجبى،** سيد مهدي على زاده موسى***

[تاريخ الاستلام ١٣٩٩/١١/٠٣ تاريخ القبول ١٤٠١/٠٥/٠٦ هـ ق]

ملخص القول

من جملة هموم علماء الإسلام والأمة الإسلامية هي محاربة التطرف بين المسلمين. حتى الآن، تم اقتراح إستراتيجيات مثل المواجهة العسكرية وعقد المؤتمرات التقريبية وما إلى ذلك، والتي على الرغم من نتائجها الإيجابية إلا أنها لم تكن مستدامة. نظرية تعدد الإجتهد بإمكانها أن تكون حلاً مختلفاً ومؤثراً في مواجهة التيارات المتطرفة والمفرطة. يثبت البحث الحالي بمنهج التوصيفي والتحليلي أن تعدد الإجتهد يسبب الوعي عند المذاهب بمبادئ ومباني بعضها البعض، ويحدث تقارب فكري وسياسي بين المذاهب، وبعد ذلك يؤدي إلى إزالة التعصبات المذهبية، وبهذه الطريقة يغلق طريق تسرب الأعداء ويعين على حفظ أرواح المسلمين وثرواتهم. وأخيراً، سيكون تعدد الإجتهد مؤثراً في محاربة التطرف من خلال إحداث أساس لقبول قيادة واحدة في العالم الإسلامي.

كلمات مفتاحية: التطرف المذهبي، التقارب الفكري، التقارب السياسي.

١. هذا المقال مقتبس من: محمد رضا خوشخو، «نظرية تعدد الإجتهد ودورها في محاربة الحركات المتطرفة: المباني، والأحكام والإنجازات»، أستاذ المشرف: حسين رجبى، رسالة الدكتوراة، جامعة الأديان والمذاهب، قم، ٢٠١٩.

* الطالب الدكتوراة في قسم المذاهب الفقهية، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران.

** الأستاذ المساعد في قسم الحقوق و الفقه المقارن، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران (الكاتب المسؤول).

*** الأستاذ المساعد في قسم المذاهب الإسلامية، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران.

بررسی تأثیر تعدد اجتهاد در مبارزه با افراط‌گرایی^۱

محمد رضا خوش‌خو*

حسین رجبی،** سید مهدی علی‌زاده موسوی***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶]

چکیده

یکی از دغدغه‌های علمای اسلام و امت اسلامی مبارزه با افراط‌گرایی در میان مسلمانان است. تاکنون راهکارهایی مانند مقابله نظامی، برگزاری همایش‌های تقریبی و ... مطرح شده است که در عین مؤثر بودن، پایداری نداشته است. نظریه تعدد اجتهاد راهکار متفاوتی است که می‌تواند در مقابله با جریان‌های افراطی و تفریطی مؤثر افتد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی اثبات می‌کند که تعدد اجتهاد سبب آگاهی مذاهب از اصول و مبانی یکدیگر، و ایجاد همگرایی فکری و سیاسی بین مذاهب می‌شود و در پی آن به زدودن تعصبات مذهبی می‌انجامد و از این طریق راه نفوذ دشمنان را می‌بندد و به حفظ جان و مال مسلمانان کمک می‌کند. در نهایت، تعدد اجتهاد با ایجاد زمینه پذیرش رهبری واحد در جهان اسلام، به نحو مؤثری در مبارزه با افراط‌گرایی تأثیرگذار خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: تندروی مذهبی، همگرایی فکری، همگرایی سیاسی.

۱. برگرفته از: محمد رضا خوش‌خو، نظریه تعدد اجتهاد و نقش آن در مبارزه با جریان‌های افراط‌گرا: مبانی، احکام

و دستاوردها، استاد راهنما: حسین رجبی، رساله دکتری، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۹۸.

* دانشجوی دکتری مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران mr.khoshkho@yahoo.com

** استادیار گروه حقوق و فقه مقارن، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

drhosseinrajabii@gmail.com

*** استادیار گروه مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران smamoosavi@gmail.com

مقدمه

جامعه اسلامی و جهان اسلام از ابتدا تاکنون همواره درگیر دیدگاه‌های افراطی‌ای بوده که تمایل به برتابیدن دیگر دیدگاه‌ها و نظریات نداشته‌اند و در مواجهه با این دیدگاه‌ها از در انکار وارد می‌شوند. تاکنون برای مقابله با این گونه دیدگاه‌های افراطی راهکارهای گوناگونی مطرح شده، اما غالب اینها مثل مقابله نظامی یا برگزاری نشست‌های تقریب، حتی در صورت مؤثر بودن، آثار مقطعی به دنبال خواهد داشت و تا زمانی که باور افراط از دل جامعه اسلامی رخت نبندد، هر روز باید شاهد بروز و ظهور افراط به چهره و نامی جدید اما با ماهیتی واحد، بود. در کنار راهکارهای مطرح شده یکی از نظریاتی که در صورت عنایت به آن قادر خواهد بود تا حد بسیار باور افراط را از درون جامعه ریشه‌کن کند، نظریه تعدد اجتهاد است. در این پژوهش می‌کوشیم با تبیین این نظریه، ثمرات و نتایج آن را در مبارزه با جریان‌های افراطی بیان کنیم.

گرچه پیش‌تر تحقیقاتی به بحث تعدد اجتهاد پرداخته‌اند (نک: حسین‌زاده، ۱۳۸۱؛ رفیعی، ۱۳۷۴؛ ظهیری، ۱۳۷۴؛ «نظام اجتهاد در اسلام: تعریف و ضرورت اجتهاد: اجتهاد رمز جاودانگی و پویایی اسلام»، ۱۳۶۱؛ «معارف اسلامی: پیامبر (ص) و مسئله اجتهاد (نظام اجتهاد در اسلام)»، ۱۳۶۱؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵؛ شلتوت، ۱۹۵۳)، در کنار ثمرات و نتایج ارزشمند این تحقیقات، یا اساساً رسالتشان پرداختن به این موضوع نبوده یا مانند کتاب عبدالکریم بی‌آزار شیرازی گذرا به این مسئله اشاره کرده‌اند، اما وجه تمایز این تحقیق از آنچه پیش‌تر صورت گرفته این است که به نحو ویژه به تأثیر این نظریه در مبارزه با جریان‌های افراطی پرداخته است.

۱. تعدد اجتهاد

بعضی گفته‌اند «تعدد اجتهاد» یعنی همان‌گونه که مجتهدان یک مذهب به دلیل اجتهاد، معذورند، مجتهدان در مذاهب مختلف نیز بر همین اساس معذور باشند. بنابراین، نمی‌توان علما و بزرگان دیگر مذاهب را فقط به صرف اینکه در اجتهاداتشان برخلاف نظر دیگران به فتوایی رسیده‌اند، به خروج از دین یا اسلام

متهم کرد (معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، ۹۳/۹/۱۹) برخی نیز تعدد اجتهاد را از جنبه عواقبش معنا کرده‌اند، بدین صورت که اگر امری از فروعات به شمار آمد، ملاک و معیار اختلاف در آن از جنس مجتهد مصیب و مخطیء است، که «للمصیب اجران و للمخطیء اجر واحد» (عمار، ۱۳۷۶). حاصل کلام در این بخش این است که تعدد اجتهاد یعنی افراد مختلف در عین انجام دادن اجتهاد در چارچوب اجتهاد معتبر، به دلایل متفاوت ممکن است به نتایج ناهمگونی دست یابند. در عین اینکه نمی‌توان به صحت همه نتایج قائل شد، ولی می‌توان صاحب نظر ناصواب را به دلیل استنباط از طریق اجتهاد، معذور دانست. پس از مشخص شدن معنای «تعدد اجتهاد» می‌توان به مهم‌ترین آثار تعدد اجتهاد در مقابله با افراط‌گرایی اشاره کرد که در ادامه به ترتیب ذکر می‌شود.

۲. آثار تعدد اجتهاد در مقابله با افراط‌گرایی

۲. ۱. آگاهی از مبانی و اصول یکدیگر

تمامی مذاهب اسلامی در اصول دین، که شامل توحید، نبوت و معاد است، با یکدیگر مساوی‌اند اما در کنار آن، قطعاً هر مذهب اختصاصاتی خاص به خود دارد که به نوعی شاکله‌اش را تشکیل می‌دهد و باعث جدا شدن و مرزبندی مذاهب از یکدیگر می‌شود. در خود اصول نیز پیروان مذاهب مختلف، درک و تفسیر واحدی از اصول و جزئیات آن ندارند. مثلاً در بحث عدل، که از صفات خدا است، شیعه و معتزله معتقدند با استناد به حکم عقل می‌توان ظلم را از عدل تشخیص داد. به همین دلیل به حسن و قبح عقلی معتقدند.^۱ این در حالی است که اشاعره حسن و قبح را از سنخ مسائل نقلی می‌دانند (ابن‌فورک، ۱۹۸۷: ۹۴-۹۵). نمونه دیگر اختلاف بر سر مسئله امامت است. شیعه معتقد است امامت، انتصابی است. بنابراین شرایط خاصی مثل عصمت برای امام قائل است که تشخیص آن فقط از سوی پروردگار عالم ممکن است، حال آنکه از نگاه اهل سنت، امامت مسئله‌ای فرعی از فروغ دین به شمار می‌رود که انتخابش از سوی امت محقق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۶۸؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۵: ۶۱).

صرف نظر از عوامل اختلاف میان مذاهب، لازمه دستیابی به راه‌های تعاملی ماندگار بین آنها در فضایی کاملاً آرام و به دور از تعصبات کور مذهبی این است که هر کدام از طرفین با اتکا به اصول و مبانی‌شان به اعتقادات خود در مذهب دست یابند و مبتنی بر این اصول و مبانی پذیرای این اعتقادات باشند. بنابراین، شاید بتوان گفت برای دستیابی به اصول و مبانی هر مذهب و واکاوی حقیقت و ریشه اعتقاد و آنچه هر مذهب بدان معترف است، یکی از راه‌های مؤثر پذیرش اصل تعدد اجتهاد است. فقط در این فضا است که در عین درک اختلافات و تفاوت‌ها میان مذاهب مختلف و به دور از تظاهر به فقدان اختلاف و مسائلی از این دست می‌توان امیدوار بود که این اختلافات از فضای علمی تجاوز نکند و به توبیخ و تکفیر یکدیگر نینجامد. در فضای تعدد اجتهاد است که فرد می‌پذیرد آنچه به عنوان نظر و دیدگاه مخالف عرضه می‌شود، صرفاً ایده‌ای است فقهی و علمی مبتنی بر اصول و مبانی خاص آن مذهب. بنابراین، اگر قرار بر نقد و نقادی باشد باید این اصول بررسی عالمانه شود نه ثمرات آن، که فتاوا و نظریات متعدد فقهی است. برای محقق‌شدن این آرمان می‌توان راهکارهای ذیل را مطرح کرد:

الف. برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی‌ای است که در آن علما و صاحب‌نظران مذهبی، خصوصاً فقها از مذاهب گوناگون، فرصت مطرح کردن دیدگاه‌های خود در حوزه فقه و روش‌های استنباط احکام را داشته باشند، تا در فضایی کاملاً علمی، این اصول و روش‌ها به روشنی تبیین و نقادی شود.

ب. برقراری کرسی‌های درس در مدارس مختلف نیز راهکاری است که می‌تواند عملیاتی‌شدن این نظریه را دوچندان، و اجرایی‌شدنش را تسهیل کند. اسناد و مدارک متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد مدارس فقهی که در آن استادانی با مهارت در فقه مذاهب مختلف، مشغول به تحصیل بودند، تا قرن‌ها در میان ملت‌های مسلمان وجود داشت، بدون اینکه اختلافات میان مذاهب مختلف، طلاب و مشتاقان علم را از یادگیری فنون و اصول و مبانی دیگر مذاهب محروم کند (نک: عبادی زحمت‌کش و احسان اوغلو، ۱۳۸۶). این فضا به علما و طالبان علم این فرصت را می‌دهد که در فضایی کاملاً علمی در ضمن اینکه در قالب مجالس درس، از اصول و مبانی یکدیگر مطلع می‌شوند، این اصول و مبانی را نقد کنند و هم‌زمان به نقدهایی که به اصول مذهب خود نیز وارد

است، پاسخ گویند. بدون شک، برپایی چنین تعاملاتی میان مذاهب مختلف در سده‌های پیشین، بدون عنایت به اصل تعدد اجتهاد، امکان‌پذیر نبوده است، زیرا نمی‌توان به مذهبی متعصبانه و یک‌جانبه ملتزم و متعهد بود و در عین حال پذیرفت که دیگر مذاهب نیز بتوانند آزادانه در حوزه‌ای مشترک آیین خود را تدریس و تبلیغ کنند.

ج. توسعه تعامل میان مذاهب اسلامی، منوط به پذیرش اختلافات فقهی میان مذاهب خمس است، یعنی همان‌گونه که غالباً مذاهب مختلف اهل سنت اختلافات را می‌پذیرند و می‌کوشند با شناخت اصول و مبانی مذاهب دیگر، آن را نقد کنند، می‌توان با نهادینه کردن تعدد اجتهاد، این مسئله را به مسائل اختلافی میان مذهب شیعه و اهل سنت نیز تسری داد و فرصتی فراهم کرد که مذاهب مختلف، از اصول و مبانی یکدیگر مطلع شوند. تاریخ مملو از نمونه‌هایی است که در آن افراد و علمای مذاهب مختلف، با پیروان دیگر مذاهب، تعاملی ماندگار داشتند. شخصیت‌های متعددی در طول تاریخ اسلام یا شاگرد یکی از استادان بنام مذاهب دیگر بودند یا به عنوان استاد برای پیروان دیگر مذاهب ایفای نقش کرده‌اند. شهید ثانی (۹۱۱-۹۵۵ یا ۹۶۵ ه.ق.) نمونه شاخصی از این افراد در شیعه است که از علمای مذهب حنفی و شافعی، حتی اجازه اجتهاد دریافت کرد (امین، ۱۴۰۶: ۱۴۸/۷). علاوه بر این، یکی از مشاغل اصلی ایشان تدریس فقه مذاهب خمس بود که بدین سبب شاگردان متعددی از مذاهب مختلف را در کرسی درس خود داشت (همان: ۱۵۳/۷). بنابراین، شناخت اصول و مبانی مذاهب مختلف زمینه‌ساز تعامل ماندگار میان مذاهب است. برقراری همایش‌های مشترک، ایجاد کرسی‌های درس مذاهب مختلف به صورت متمرکز، در یک مکان، همچنین، برقراری تعامل و ارتباط میان شاگردان و استادان مذاهب متفاوت، فقط در صورتی متصور خواهد بود که علمای مذاهب مختلف به مبحث تعدد اجتهاد، نگاهی جدی داشته باشند و آن را به عنوان اصلی اجتناب‌ناپذیر، خصوصاً در عصر حاضر که دوره رشد و گسترش افراطیان و سلفی‌های جهادی و ... است، بپذیرند.

۲.۲. همگرایی فکری و سیاسی

اولین ثمره‌ای که آگاهی از مبانی و اصول فکری دیگر مذاهب در پی دارد، رفع سوء تفاهمات و پیدایش زمینه‌ای برای همگرایی فکری و در پی آن همگرایی سیاسی خواهد

بود. در ادامه ابتدا همگرایی فکری و سپس همگرایی سیاسی مطرح و درباره چگونگی منتج‌شدن آگاهی از اصول و مبانی به این دو، بحث خواهد شد.

الف. همگرایی فکری

فاصله ایجادشده میان مذاهب مختلف، خصوصاً در قرن حاضر که حاصل فعالیت‌ها و گسترش روزافزون تفکر افراطی سلفی است، می‌تواند از عوامل ایجاد سوءظن و برداشت‌های نادرست از سوی پیروان یک مذهب راجع به اعتقادات مذاهب دیگر و در نهایت افتراق و جدایی و تفرقه میان مذاهب مختلف شود. دشمنان اسلام و مسلمانان به راحتی قادر خواهند بود از فاصله و فضایی که میان مذاهب مختلف ایجاد شده، به نفع خود و اهداف سوءشان بهره ببرند و بر تفرقه میان مذاهب، خصوصاً جوانان، بیفزایند. نبردهای داخلی که در کشورهای اسلامی در دهه‌های اخیر رخ داده، خصوصاً آنچه در کشورهایی مثل سوریه، عراق، لیبی و امثال آن دیده می‌شود، فقط یکی از نتایج به‌بارآمده از این اختلافات است. حال آنکه، طبق آنچه گذشت، تعدد اجتهاد پیش از هر چیز علمای مذاهب مختلف را با اصول و مبانی دیگر مذاهب آشنا کرده، سبب می‌شود سوءظن‌ها و سوءبرداشت‌ها نسبت به یکدیگر از بین برود. به علاوه، در اثر ایجاد تعامل حاصل از پذیرش نظریه تعدد اجتهاد، نوعی همفکری و همگرایی در میان پیروان مذاهب مختلف رخ خواهد داد که می‌توان از آن به عنوان عاملی پیش‌گیرنده در برابر دسیسه‌ها و نقشه‌های شوم دول استعماری و دشمنان قسم‌خورده اسلام و مسلمانان یاد کرد.

همایشی که در بهمن‌ماه ۱۳۹۳ در قاهره مصر با عنوان «همگرایی فکری میان مذاهب اسلامی» برگزار شد، یکی از گام‌های مقدماتی در جهت ایجاد این همگرایی و همفکری میان فقهای مذاهب مختلف بود. در این همایش اندیشمندان بزرگی از شیعه و اهل سنت حضور داشتند و برخی از ایشان سخنرانی کردند. مثلاً شیخ حسن الجنایینی، از علمای اهل سنت مصر، در ضمن سخنانش در این همایش بر اهمیت همگرایی فقهی و فکری میان دانشمندان مذاهب مختلف تأکید کرد و گفت راه رسیدن به تقریب و همگرایی چیزی نیست جز برطرف‌شدن شبهاتی که میان شیعه و اهل تسنن وجود دارد، زیرا این فاصله باعث شده است برخی در اثر القائات افراطیان، عقایدی مثل پرستش

امام علی (ع) یا خیانت جبرئیل را به شیعه نسبت دهند، در حالی که این تصورات از شیعه کاملاً اشتباه بوده و صرفاً سوءتعبیر راجع به باورهای شیعه است (<http://iqna.ir/fa/news/2830473>).

حاصل کلام اینکه، همگرایی فکری، که یکی از ثمرات تعدد اجتهاد است، می‌تواند عاملی در همسوس شدن مذاهب مختلف باشد و از واگرایی، خصوصاً در عرصه علما و فقهای مذاهب، جلوگیری کند.

ب. همگرایی سیاسی

یکی از مسائلی که قرآن کریم و روایات نیز مؤید آن است و بر آن تأکید دارند، همگرایی سیاسی است. شاید بتوان یکی از دلایل این تأکید را حفظ کیان اسلام دانست. زیرا در سایه این همگرایی است که می‌توان به مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی پیروان فرقه و مذاهب مختلف امیدوار بود. آیات متعددی از قرآن کریم به اصل همگرایی سیاسی اشاره دارد: «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹)؛ «محمد رسول خدا است و کسانی که با او هستند علیه کفار شدید و بی‌رحم‌اند و در بین خود رحیم و دلسوزند». نکته کلیدی در این آیه تأکید بر این مؤلفه است که از نشانه‌های مسلمانان همراه و همسو با پیامبر اکرم (ص) این است که ایشان زمانی که بحث مقابله با دشمن در پیش باشد، در عین محکم‌بودن و استوارایستادن در برابر دشمنان، در میان خود با عنصر رحمت و رأفت رفتار می‌کنند. حکم این آیه کلیت دارد، یعنی بر اساس آنچه در آیه ذکر شده می‌توان به این نتیجه رسید که رحمت و رأفت میان مسلمانان عمومیت دارد و به عنوان قانونی کلی می‌توان بدان استناد کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۵/۱۸؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۶۵/۵). این همان همگرایی سیاسی است که از ثمرات بحث تعدد اجتهاد به شمار می‌رود. نیز در جای دیگر می‌فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا» (انفال: ۴۶)؛ «و فرمانبری کنید خدا و فرستاده‌اش را و نزاع نکنید که سست شوید».

یکی از اموری که قطعاً می‌تواند مصداق این آیه باشد مباحث نظری و علمی است. توضیح اینکه، آیه از نزاع داخلی میان مسلمانان که در نهایت منجر به سستی و رخوت در حوزه نبرد و سیاست خواهد شد، بر حذر می‌دارد. این تنازع می‌تواند مصادیق

متعددی داشته باشد، اما به طور قطع می‌توان یکی از مصادیقش را مباحث نظری و اعتقادی دانست (شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۵۹/۲). زیرا یکی از مسائلی که از موانع همگرایی سیاسی به شمار می‌رود، پرداختن به نزاع‌های داخلی، خصوصاً در حوزه عقاید و مسائل اختلافی است. به همین دلیل قرآن کریم مسلمانان را از این‌گونه تنازعات چیزی جز واگرایی داشته و اشاره کرده است که حاصل پرداختن به این‌گونه تنازعات چیزی جز واگرایی سیاسی و سستی در برابر دشمنان اسلام نخواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۵/۹).

روایات نبوی نیز حاوی اشاراتی است که می‌توان آن را بیان دیگری از همگرایی سیاسی خواند، آنجا که رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «ذمه مسلمانان یکسان است و همه کس قادر خواهد بود با تکیه بر آن حق خود را مطالبه کند. همگان در برابر دشمن ید واحده‌اند» (بخاری، ۱۴۲۲: ۲۰/۳). تأکید پیامبر اکرم (ص) نیز بر یکپارچگی و وحدت سیاسی در برابر دشمن است، هدفی که بدون دستیابی به همگرایی فکری دست‌کم پایدار و ماندگار نخواهد بود. با عنایت به این آیات و احادیث است که تفسیر دانشمندان اسلامی از وحدت بعضاً عبارت دیگری از همگرایی سیاسی می‌شود. مثلاً مطهری زمانی که بحث از وحدت مسلمانان به میان می‌آید، می‌گوید مقصود از وحدت قطعاً این نیست که پیروان یک مذهب از اعتقاداتشان دست بردارند و معتقدات دیگری را بپذیرند، بلکه مراد این است که مسلمانان همه با تکیه بر مشترکاتشان به صفی واحد در برابر دشمنانشان بدل شوند (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۱۲).

بدون شک همگرایی سیاسی ماندگار، خود ثمره پذیرش تعدد اجتهاد است. نباید از نظر دور داشت که همگرایی سیاسی زمانی به ثبات و ماندگاری می‌رسد که در سایه همگرایی فکری رخ نماید. زیرا هرچند ممکن است این همگرایی بنا به مصالح سیاسی به صورت مقطعی و در بحران صورت پذیرد، اما دستیابی به همگرایی سیاسی ماندگار میان مذاهب مختلف زمانی رخ می‌نماید که پیش‌تر، پیروان مذاهب، اختلافات را شناسایی کرده و به این نکته رسیده باشند که آنچه اختلاف میان مذاهب خوانده می‌شود، نه در حیطه اصول که در حوزه فروع است و می‌توان در کرسی‌های اندیشه، این اختلافات را بررسی و نقد کرد. بنابراین، از دیگر ثمراتی که می‌توان برای مبحث تعدد اجتهاد بدان امید بست و آن را در زمره فواید

به بار آمده در تعدد اجتهاد برشمرد، امکان دستیابی به همگرایی سیاسی در فضایی به دور از تنش خواهد بود.

۲.۳. زدودن تعصبات مذهبی

از اموری که در طول تاریخ همواره زمینه ساز اختلافات و حتی قتل و غارت های متعدد در جوامع اسلامی شده، بحث تعصبات کور مذهبی است. برخی از ثمرات نامیمون تعصبات کور مذهبی چنین است:

الف. مناظره های غیر علمی

سیره گذشتگان و بزرگان اسلام بدین صورت بود که به راحتی در جلسات یکدیگر حاضر می شدند و حتی بعضاً ارتباط میان ایشان از نوع ارتباط استاد و شاگردی تلقی می شد. مثلاً برخی از ائمه اهل سنت، از شاگردان امام صادق (ع) که از ائمه شیعه است، به شمار می آیند. ایشان در حالی از جلسات درس امام صادق (ع) استفاده می کردند که در مسائل متعددی از مباحث فقهی، میان ایشان اختلاف وجود داشت (خویی، ۱۳۷۲: ۵۵/۱). قطعاً در این گونه مجالس، برخی اختلافات اقوال مطرح و درباره اش بحث می شد، که این همان شیوه مناظره صحیح و علمی و مصداق جدال احسنی است که قرآن کریم ما را بدان فرا خوانده است.^۲ در میان خود بزرگان اهل سنت نیز چنین شیوه ای حاکم بوده است که هر کدام به نحوی تعصب در پذیرفتن یا نپذیرفتن یک فتوا را رد می کردند و پیروانشان را به تبعیت از دلیل فرا می خواندند، افرادی مثل ابوحنیفه (ابن قیم، ۱۴۱۱: ۱۴۳/۲)، مالک بن انس (ابن عبدالبر، ۱۴۱۴: ۹۰۶/۲)، شافعی (ذهبی، ۱۴۰۵: ۳۳/۱۰) و احمد بن حنبل (شنقیطی، ۱۴۱۵: ۳۴۷/۷). این شیوه در میان متأخران نیز رواج دارد، به طوری که بسیاری از علما در میان فقهای مسلمان وجود دارند که به اجتناب از تعصبات مذهبی و فرقه گرایی متعصبانه توصیه می کنند. ایشان از مردم می خواهند که به جای تکیه بر تعصبات به مبانی و ادله مذهب خود و فتاوی دیگر مذاهب بنگرند و از این میان قول احسن را برگزینند (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۵۰؛ سید سابق، ۱۳۹۷: ۱۳/۱).

این گونه تعاملات و ارتباطات سازنده و مؤثر میان بزرگان صدر اسلام بود که دامنه فقه و فقاقت را گسترش داد و شکوفایی چشمگیر علوم اسلامی را در آن دوران سبب

شد. اما از زمانی که مناظرات سازنده جای خود را به تکبر و برتری‌جویی به هر نحو ممکن داد، مناظرات از حالت علمی به مجالس جدل و مغالطه و تخریب طرف مقابل بازگشت؛ گونه‌ای که به هیچ وجه نزد شارع مقدس پسندیده و پذیرفته نبود. نمونه‌های بارز این نوع مبارزه مخرب، در شبکه‌های ماهواره‌ای مثل کلمه و وصال و رسانه‌های اجتماعی عصر حاضر دیده می‌شود. در این شبکه‌ها در واقع آنچه مد نظر نیست دستیابی به حق و راه‌یابی به تعالیم واقعی اسلام است. در مقابل، طرفین در این شبکه‌ها، که نوعاً با سرمایه کشورهای اسلامی اما در راستای اهداف دشمنان اسلام اداره می‌شود، به طور گسترده از عنصر تخریب استفاده می‌کنند.

ب. یکجانبه‌نگری و تخریب

از امور مخرب دیگری که می‌توان آن را ثمره تعصب دانست، یکجانبه‌نگری در مناظرات و جلسات بحث و درس از یک سو، و تخریب تمامی مذاهب مخالف از دیگر سو است. بارزترین نمونه‌ای که در عصر حاضر سعی دارد سبک رفتاری و تعاملی خود در تعصب‌ورزی و یکجانبه‌نگری را به دیگر مذاهب اسلامی نیز تسری دهد، سلفیان هستند. به جرئت می‌توان گفت نوشته‌ها، کتب، یادداشت‌ها، سخنرانی‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و ... که سلفی‌ها در بسیاری از کشورهای اسلامی توزیع می‌کنند، با هدف اشاعه چنین فرهنگی در میان مسلمانان تهیه شده است. آن که این سبک تعصب را نهادینه کرد و توسعه داد، شخصی نیست جز ابن تیمیه که سلفیان معاصر به نوعی مقلدان تفکرش به شمار می‌روند.^۳ بنابراین، می‌توان سلفیان را مروج اصلی این‌گونه رفتارها در عصر حاضر دانست که با تکیه بر اصل و نظریه تعدد اجتهاد، به‌راحتی می‌توان با این رویکرد مخرب مقابله کرد.

ج. دوری از عقلانیت

اسلام همواره ما را به عقلانیت و تعقل فرا می‌خواند. قرآن کریم بارها مسلمانان را به تعقل و تعمق در وقایع دعوت می‌کند. اما آنچه این عقلانیت را به یک سو نهاده و عنصر تعقل را کم‌رنگ می‌کند تعصب مذهبی است. تعصب باعث می‌شود به جای برپایی کرسی‌های آزاداندیشی و ایجاد زمینه‌های تعامل میان مذاهب مختلف که خود به

پویایی هر چه بیشتر فقه و فقاہت می‌انجامد، از تعاملات جلوگیری کنند و در برابر هر گونه نظریه جدید در دین و فقه از در انکار وارد شوند، و تحت عنوان دفاع از دین، صاحب نظریه را رد کنند و چه‌بسا در معرض خطر جانی و مالی نیز قرار دهند.

د. جنگ داخلی و بین مذهبی

از نتایج و ثمرات مخرب دیگر تعصبات مذهبی می‌توان به ایجاد نبردها و جنگ‌های داخلی اشاره کرد، نمونه‌هایی که در آن حتی اهالی یک شهر بر اثر تعصبات مذهبی به دیگر همشهریان خود که به مذهبی غیر از مذهب ایشان ملتزم بوده‌اند، یورش برده، اموال ایشان را از بین برده‌اند. مثلاً شرح حال معجم‌البلدان از شهر اصفهان، که می‌گوید در این شهر می‌توان ویرانی‌های حاصل از نبردهای داخلی میان حنفیان و شافعیان را به‌وضوح مشاهده کرد (حموی، ۱۹۹۵: ۲۰۹/۱). راهکارهای متفاوتی برای مقابله با تعصبات کور مذهبی مطرح شده که هر کدام در نوع خود می‌تواند تأثیراتی داشته باشد، راهکارهایی مانند مراجعه به مصادر و منابع اصیل یک مذهب، برای اطلاع از اصول و مبانی فکری او به جای تکیه کردن به شایعات و نظریاتی که دیگران درباره آن مذهب مطرح می‌کنند. به همین دلیل است که عادل غضبان، مدیر مجله مصری *الکتاب*، در مقدمه جلد سوم *الغدیر*، چنین می‌نویسد: «این کتاب بیان‌کننده اعتقاد شیعه است که به واسطه آن اهل سنت خواهند توانست شیعه را مطابق آنچه که هست بشناسند. این مسئله موجب می‌شود که شیعه و اهل سنت به یکدیگر نزدیک‌تر گردند» (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۲۱).

تقویت حسن ظن به دیگران نیز در شمار راهکارهایی است که برای مقابله با تعصبات مذهبی بر آن تأکید می‌شود. در واقع، قرآن کریم نیز این راهکار را تأیید و بر آن تأکید کرده است، آنجا که می‌فرماید: «هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری گمان‌ها اجتناب کنید» (حجرات: ۱۲).

همچنین، می‌توان گفت هرچند از لحاظ عقلی باید لوازم اعتقاد را بر آن بار کرد، اما با این حال، حکم نکردن به لوازم اعتقاد را می‌توان حربه‌ای برای مقابله با تعصب و راهکاری در جهت تقریب در نظر گرفت. زیرا بسیار پیش می‌آید که پیروان مذهبی به مسئله‌ای اعتقاد دارند و در عین حال از لوازمش غافل‌اند، و چه‌بسا اگر متوجه لوازم آن

اعتقاد شوند، از اصل اعتقاد نیز تبراً جویند. در این صورت ادب اسلامی و حکمت تقریب، خصوصاً در عصر حاضر، حکم می‌کند مادام که خود فرد به اعتقاد به لوازم کلامش اعتراف نکرده است، وی را به آن لوازم متهم نکنیم. مثلاً اشاعره در بحث اختیار انسان به کسب معتقدند که از لوازم آن پذیرش جبر است (اشعری، ۱۹۵۵: ۶۹/۱-۷۸). حال آنکه اشاعره به جبر اعتراف ندارند. در این صورت نمی‌توان آنها را متهم کرد که شما برخلاف قرآن نظر داده و مخالفت آشکار با قرآن کریم دارید.^۴

گفت‌وگو در مسائل اختلافی نیز می‌تواند راهکاری مؤثر در مقابله با مسئله تعصب و یکجانبه‌نگری باشد.

وجه مشترک تمامی راهکارهای مطرح‌شده، مبحث تعدد اجتهاد است. در سایه تعدد اجتهاد، بستری فراهم خواهد شد که افراد بتوانند با مراجعه به متون و کتب اصلی هر مذهب، درباره آن مذهب و معتقداتش به نحو صحیح مطالعه کنند و از آن مطلع شوند. همچنین، پذیرش نظریه تعدد اجتهاد محقق نمی‌شود مگر زمانی که انسان دست از تعصبات کور مذهبی بردارد و در پرتو حسن ظن به دیگر مذاهب و پیروانشان، با ایشان تعامل کند، و تا وقتی فردی از پیروان یک مذهب به لوازم اعتقادش معترف نشد، وی را به آن لوازم متهم نکند. به‌علاوه، اصلی‌ترین شعار در نظریه تعدد اجتهاد، شعار گفت‌وگو و مذاکره در مسائل اختلافی میان مذاهب مختلف است.

حاصل کلام اینکه، یکی از راهکارهای مؤثر برای مقابله با تعصبات کور مذهبی، که از مخرب‌ترین و مهلک‌ترین عوامل در عالم اسلام به شمار می‌آید، التزام به نظریه تعدد اجتهاد است که می‌تواند وجه جمع تمامی راهکارهایی باشد که پیش از این برای مقابله با تعصبات کور مذهبی مطرح شده است.

۲.۴. تعدد اجتهاد و استفاده از ظرفیت‌های حوزوی

برآیند دیگری که حاصل اعتنا و اعتماد به نظریه تعدد اجتهاد است، امکان استفاده حداکثری از ظرفیت‌های حوزوی موجود در میان مذاهب مختلف است. بدین صورت که آنچه در حال حاضر به صورت حداکثری در حوزه‌های علمیه مطرح است، تدریس فقهی خاص در میان پیروان آن است و آنچه در این میان مغفول مانده و کمتر بدان اعتنا شده، فقه مقارن است. هرچند گاه به فقه مقارن عنایاتی شده، اما تا رسیدن به نقطه

ایدئال در این زمینه فاصله بسیار است. فقه مقارن به علمی گفته می‌شود که در آن دیدگاه‌ها و آرای فقهی تمام علمای مذاهب مختلف گردآوری، و سپس در فضایی کاملاً عالمانه و به دور از تعصبات مذهبی بهترین نظر از میانشان انتخاب می‌شود (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۲۵-۱۳۰).

مؤلفه‌ای که بیش از هر عامل دیگری قادر خواهد بود به رشد و توسعه فقه مقارن کمک شایانی کند، نظریه تعدد اجتهاد است. به دیگر سخن، مادامی که در حوزه‌های علمیه کشورهای اسلامی، فقه مقارن از جایگاه خاص و ویژه‌ای برخوردار نشود، ظرفیت موجود در حوزه‌های علمیه به صورت حداقلی استفاده خواهد شد و این محقق نمی‌شود مگر اینکه پیش‌تر علمای جهان اسلامی بر اساس قواعد و مبانی تعدد اجتهاد پذیرفته باشند که حیطه اختلافات مذاهب، از سنخ فروعات و مباحث علمی بوده که می‌توان آن را در فضای علمی به بوته نقد کشید. فقه مقارن بهترین وسیله برای اجرایی کردن این مسئله است.

البته فقه مقارن ریشه‌ای عمیق در تاریخ اسلام داشته و در هر دوره حتی قرن حاضر نیز، هستند کسانی که به آن توجه داشته و در اشاعه آن در میان طلاب و علمای اسلام در مذاهب مختلف کوشیده‌اند (همان). در واقع، فقه مقارن فقیه را موظف می‌کند در استنباط رأی و صدور فتوا ابتدا آرای دیگر مذاهب را نیز ملاحظه کند و پس از بررسی نقادانه نظرها، به دیدگاه احسن دست یابد. این همان شیوه‌ای است که قرآن کریم در توصیف مؤمنان و بندگان راستین خدا به ما می‌آموزد (زمر: ۱۷-۱۸). از جمله بزرگانی که بر اساس این تعریف از فقه مقارن مشی، و آن را ترویج کرده‌اند، می‌توان به شیخ محمود شلتوت اشاره کرد که موجب شد از سال ۱۹۳۶ همین روش در فقه مقارن در دانشگاه الأزهر مصر تدریس شود (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۳۰). همچنین، در علمای شیعه می‌توان به کتاب *الانتصار* سید مرتضی و *الخلاف* شیخ طوسی و *منتهی المطلب و تذکره الفقهاء* حلی اشاره کرد که اساساً فلسفه نگارش آنها بیان مسائل مربوط به فقه مقارن بوده است.

به جز اینها، فواید دیگری هم بر فقه مقارن مترتب است:

دست‌یابی به امور اختلافی و دلایل آن: خواه سبب اختلاف آیه‌ای از آیات قرآن

باشد مثل آیه وضو (مائده: ۶) که اختلاف در قرائت این آیه اختلاف در وضو را میان

شیعه و مذاهب اربعه سبب شده است، یا اختلاف در حدیث باشد مثلاً فقیه‌ی بدون اطلاع از حدیث خاصی فتوایی صادر کند که فتوایش را مخالف فتاوی دیگر فقهای که از آن حدیث مطلع‌اند، قرار دهد و ... (حکیم، ۱۴۳۱: ۴۵/۱-۵۰).

کشف نقاط اشتراک: محدوده اختلاف میان مذاهب در چند حوزه متصور است: اینکه اختلاف در اصول دین باشد که فرضی خلاف واقع است. اینکه اختلاف در جزئیات مرتبط با اصول دین باشد، مثلاً در جزئیات قیامت و ... که هم در بین دو مذهب، هم در پیروان یک مذهب، ممکن است رخ دهد. اینکه این اختلاف در مسائل ضروری فقه مثل وجوب نماز، روزه، زکات و ... رخ دهد که قطعاً چنین اختلافی میان مذاهب اسلامی وجود ندارد و در نهایت اینکه اختلافات میان مذاهب از سنخ اختلافات در فروعات فقهی باشد، نظیر اختلاف رأی در نحوه وضو، ارث و ... (وزارة الاوقاف والشئون الاسلامیة، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۲-۲۹۴). این نیز از سنخ اموری است که حتی در میان علما و فقهای یک مذهب خاص نیز امکان رخ دادن دارد.

بنابراین، از خواص اصلی فقه مقارن توجه دادن علمای مذاهب مختلف اسلامی به این اصل مهم است که حیطه اختلافاتشان در برخی فروعات است که در مقابل انبوه اشتراکات میان مذاهب مختلف، در خور اعتنا نیست، چه رسد به اینکه به واسطه آن، کار به تکفیر اهل یک مذهب بینجامد.

وحدت عملی میان مذاهب اسلام: تدریس فقه مقارن در حوزه‌های علمیه زمینه‌ای فراهم می‌آورد که بدین واسطه میان علمای مذاهب مختلف در درجه اول و پیروانشان در گام بعد وحدتی استوار و عملی رخ دهد.

پویایی و تحول در فقه اسلامی: فقه یک‌جانبه و محصور بدون کمک‌گرفتن از ظرفیت‌های موجود در دیگر مذاهب اسلامی و بدون اشراف به وقایع و مسائل روز، هرگز نخواهد توانست به پویایی و تکامل درخوری که جامعه امروز بشری بدان نیازمند است، دست یابد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۶۵).

بدین ترتیب آنچه در این میان بیش از هر عاملی می‌تواند به محقق شدن و عملی شدن فقه مقارن در حوزه‌های علمیه کمک کند، اعتنا به نظریه تعدد اجتهاد است. پیوند میان تعدد اجتهاد و فقه مقارن تا بدانجا است که با کمی تسامح می‌توان این دو را مترادف در

نظر گرفت. به همین دلیل ترویج نظریه تعدد اجتهاد، تا حد بسیار می‌تواند بستر ساز ایجاد کرسی‌های فقه مقارن در مدارس علمیه و حتی دانشگاه‌های بلاد اسلامی شود.

۲.۵. برطرف شدن زمینه‌های نفوذ دشمنان در امت اسلامی

از مهم‌ترین اموری که دشمنان اسلام همواره از آن بهره برده‌اند، تفرقه و اختلاف‌افکنی مذهبی است. بسیاری از کشورهای آفریقایی مثل سومالی، نیجریه، مالی، کنیا، الجزایر، و نیز کشورهای خاورمیانه مثل عراق، سوریه، افغانستان و پاکستان امروزه در آتش اختلافات مذهبی‌ای می‌سوزند که می‌توان رد پای غرب و دول استعماری را در ایجاد و شعله‌ورترکردنش دید. در این میان بهترین مؤلفه‌ای که باید پیش از هر چیز علمای بلاد اسلامی ترویج و تبلیغ کنند، بحث اتحاد اسلامی میان مذاهب مختلف است. یکی از راهکارهای دیگری که می‌تواند به نحو مؤثری در تحقق این آرمان اسلامی ایفای نقش کند، تعدد اجتهاد است. زیرا در تعدد اجتهاد طرفین اسباب اختلاف را می‌شناسند، از تعصبات دست می‌کشند و به این نکته واقف می‌شوند که اختلافاتشان در حیطه فروع و از سنخ مباحث علمی خواهد بود. بدین سبب کدورتی از یکدیگر نخواهند داشت و آنچه به عنوان وحدت از این طریق در میان امت نهادینه می‌شود وحدتی ماندگار بر پایه محبت و برادری واقعی در میان امت خواهد بود. با عنایت به اهمیت و جایگاه وحدت امت، و نیز با در نظر گرفتن هشدارها و پرهیزهای متون اصیل اسلامی از تفرقه و توجه بزرگان دین به وحدتی عمیق همراه با انس و الفت در میان جامعه، می‌توان گفت آنچه می‌تواند ضمانت‌کننده این نوع وحدت در میان امت اسلامی باشد، تعدد اجتهاد خواهد بود.

۲.۶. حفاظت از جان و مال و ناموس مسلمانان

یکی از فواید و آثار مترتب بر پذیرش نظریه تعدد اجتهاد پرهیز از تکفیر پیروان دیگر مذاهب اسلامی است. این در حالی است که در تعالیم بلند اسلام، به‌ویژه در کلام رسول گرامی اسلام (ص)، نمونه‌های متعددی در پرهیز از تکفیر مسلمانان وارد شده است. کتب و مقالات بسیاری به مقوله تکفیر پرداخته‌اند که در اینجا مجال مطرح‌کردنشان نیست، اما مهم این است که یکی از اموری که می‌تواند این مسئله را تا

حد بسیار مرتفع کند، تأکید بر نظریه تعدد اجتهاد و اهمیت دادن به آن و ترویج آن است. زیرا با به رسمیت شناختن دیگر مذاهب و سوق دادن اختلافات به حیطه فروعات، عملاً راه برای هر گونه تکفیر مخالف بسته می‌شود و دیگر بهانه‌ای در دست مخالفان برای تکفیر باقی نمی‌ماند. بدین ترتیب یکی از اموری که می‌توان به عنوان آثار نظریه تعدد اجتهاد بر آن تأکید کرد، مقابله و ممانعت از تکفیر است.

۲.۷. ایجاد زمینه‌های پذیرش رهبری منسجم‌تر

قرن‌ها است که جامعه اسلامی و امت اسلام رؤیای یک رهبری منسجم و ایجاد امتی همسو و تا حدی یکپارچه را در سر می‌پروراند. به عقیده بسیاری از اندیشمندان مثل احمد زین، عضو تجمع علمای مسلمانان لبنان، و فان لیزون، رئیس مجلس ملی اندونزی، ضعف اصلی جهان اسلام، فقدان رهبری واحد است که در مواقع لزوم، کلامش حکم فصل الخطاب را داشته باشد و علاوه بر ریشه‌کنی اختلافات داخلی در میان امت اسلامی، آنها را در برابر دشمنان اسلام نیز متحد کند (www.mehrnews.com/news/3564686؛ www.iribnews.ir/fa/news/2125849).

با محقق شدن این هدف، جامعه اسلامی می‌تواند به شکوفایی و تمدن آرمانی اسلامی نزدیک و نزدیک‌تر شود، و قدرت خیره‌کننده اسلام و امت اسلامی و تمدن غنی اسلام را به رخ جهانیان بکشد.

در یکی دو قرن معاصر اندیشمندان متفاوتی مثل سید جمال‌الدین اسدآبادی در پی دستیابی به این رؤیا تلاش بسیار کردند (نک: سعیدی، ۱۳۸۰). هرچند توفیق چندانی در عمل نداشتند ولی مهم موجی است که به همت ایشان و شاگردانشان در جامعه اسلامی به راه افتاد.

حتی افرادی مثل حسن البناء، مؤسس اخوان المسلمین، نیز این اندیشه را در سر داشتند. هرچند در ادامه مسیر اخوان از آنچه او در نظر داشت، منحرف شد (نک: خسروشاهی، ۱۳۷۴) اما امثال این گونه اقدامات می‌تواند به مثابه امواج کوچکی باشد که مایه حرکت جهان اسلام به سمت و سوی دستیابی به آرمان همیشگی خود، یعنی رهبری منسجم، شود.

مراد از رهبری منسجم لزوماً رهبری در حوزه سیاسی نیست که به واسطه آن مرزهای کشورهای اسلامی تحت الشعاع قرار گیرد، بلکه آنچه پیش و بیش از رهبری سیاسی اهمیت دارد، رهبری مذهبی در امت اسلامی است. قدرتی که رهبری مذهبی در خود دارد، به اندازه‌ای است که می‌تواند به راحتی سیاست‌گذاری‌های رهبران سیاسی را تحت الشعاع قرار دهد و آنچه صلاح امت اسلامی است محقق کند. بنابراین، دستیابی به یکپارچگی هرچند نسبی در رهبری امت اسلامی، لزوماً وابسته به یکپارچگی جغرافیای سیاسی جهان اسلام نیست.

این نکته نیز مهم است که مواجهه جهان اسلام با عقاید افراطی در طول تاریخ و مقابله با اشخاصی چون ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب (علی‌زاده موسوی، ۱۳۹۲: ۱۹۷-۲۰۵) و در عصر حاضر گروهی مثل داعش، نشان از وجود ظرفیت وحدت در غالب امت اسلام است که در صورت هدایت می‌تواند زمینه‌ساز رسیدن به این هدف باشد.

قطعاً این روحیه به‌تنهایی برای یکپارچه‌کردن این امت در برابر دشمنان و تهدیدهایی که متوجه عالم اسلام است کفایت نمی‌کند. بنابراین، این ظرفیت نیاز به برنامه‌ای همه‌جانبه برای هدایت و پرورش دارد تا با واقع‌شدن در مسیر اصیل و اصلی‌اش، به شکوفایی هر چه بیشتر بینجامد.

ایده رهبری منسجم برای جهان اسلام نظریه صرف نیست، بلکه در مقاطعی این نظریه در مقیاس‌های کوچک توانسته است اوج قدرت و توانایی‌اش را به اثبات رساند؛ مثلاً آنچه امام خمینی در پیروزی انقلاب اسلامی به انجام رساند، و پس از آن در زمان جنگ تحمیلی این نقش، انعکاسی دوچندان داشت. زیرا در حالی که جامعه ایران متشکل از مذاهب مختلف بود، اما با پذیرش رهبری ایشان، به صورت واحد و یکپارچه درآمد و در برابر دشمنان این کشور، قد علم کردند؛ وحدتی که به ایران نوپا اجازه داد هشت سال جنگ پُرهزینه را با وجود تحریم‌های همه‌جانبه تحمل کند و از آن سربلند بیرون آید.

نمونه دیگر آن بزرگداشت روز جهانی قدس است. در این روز مسلمانان دیگر کشورها فارغ از تفاوت در مذهب، با پذیرش فتوای امام خمینی هر ساله این روز را

بررسی تأثیر تعدد اجتهاد در مبارزه با افراطگرایی / ۱۵۳

گرامی می‌دارند. آمارها نشان از این دارد که این راه‌پیمایی دست‌کم در ۵۰ کشور جهان بر پا می‌شود (<http://fa.alalam.ir/news/3606701>).

رهبری امام موسی صدر در لبنان نمونه‌ای دیگر از قدرت رهبری منسجم در مقیاس کوچک است. وی با ایجاد روحیه وحدت در میان شیعه و اهل سنت لبنان، در زمان خود توانست به نحو مؤثری با درگیری‌های داخلی این کشور مقابله کند، اما استعمار که وی را تهدیدی در برابر برنامه‌های شوم خود می‌دید حذف فیزیکی‌اش را در دستور کار قرار داد (نک: اباذری، ۱۴۲۸).

همچنین، در سال‌های اخیر فتوای سیستمی در کشور عراق برای مقابله با تهدیدهای داعش، سبب شد شیعه و اهل سنت در یک صف در مقابل این گروه تروریستی بایستند و آن را از کشور عراق به عقب برانند و دسیسه دول استعماری غرب در این خصوص را ناکام بگذارند (http://parstoday.com/fa/middle_east-i85866).

زمانی که رهبری منسجم امت اسلام در مقیاس‌های کوچک چنین قدرتی را به نمایش می‌گذارد، قطعاً در مقیاسی مثل جهان اسلام، دست‌کم به صورت شورای رهبری به قدرتی بی‌بدیل منجر خواهد شد.

بی‌تردید یکی از مؤلفه‌های مؤثر و مهم که می‌تواند در تحقق چنین رهبری منسجمی مفید و مؤثر واقع شود، تعدد اجتهاد است. زیرا تعدد اجتهاد با ایجاد وحدت پایدار در جامعه اسلامی، بسترساز مؤثری برای پذیرش چنین رهبری‌ای در عالم اسلام است.

نتیجه

برآیند آنچه در این تحقیق مطرح شد این است که می‌توان تعدد اجتهاد را یکی از عوامل تأثیرگذار و ماندگار در مقابله با جریان‌های افراطی و تندرو در جهان اسلام به شمار آورد، ایده‌ای که محقق‌کردنش به مراتب هزینه‌ای پایین‌تر از مقابله نظامی با جریان‌های افراطی دارد. زیرا تعدد اجتهاد: الف. این امکان را برای دانشمندان اسلامی فراهم می‌آورد که در فضایی علمی و به دور از تنش از منابع اصیل همان مذهب استفاده کنند و به اصول و مبانی آن مذهب، آنچنان که هست، دسترسی یابند که خود زمینه حذف بسیاری از کدورت‌ها و سوءبرداشت‌ها است؛ ب. آگاهی از مبانی فکری

اصیل هر مذهب علاوه بر رفع سوء تفاهات، می‌تواند دو ثمره به دنبال داشته باشد؛ یکی همگرایی فکری و دیگری همگرایی در حوزه سیاست که هر کدام از اینها خود عاملی است در جهت مقابله با پیدایش و پرورش جریان‌های افراطی؛ ج. در سایه آگاهی از اعتقادات واقعی هر مذهب، که همگرایی ایشان را به دنبال دارد، جایی برای ظهور و بروز تعصبات کور مذهبی میان مذاهب مختلف و پیروانشان باقی نمی‌ماند؛ تعصبی که خود مناسب‌ترین بستر برای پیدایش و رشد جریان‌های افراطی است؛ د. در نبود دیدگاه‌های افراطی میان پیروان مذاهب مختلف می‌توان به ایجاد زمینه‌ای برای استفاده حداکثری از ظرفیت‌های حوزوی مذاهب مختلف امیدوار بود؛ و در نهایت، برآیند تعدد اجتهاد، ایجاد رهبری منسجم یا شورای رهبری برای جهان اسلام است که می‌تواند عاملی بسیار مؤثر و قدرتمند در مقابله با شکل‌گیری و رشد جریان‌های افراطی باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نک.: صدوق، *الاعتقادات*؛ سید مرتضی، *الذخیره*؛ نصیرالدین طوسی، *تجريد الاعتقاد*.
۲. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با فرزاندگی و پنددادن نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با مخالفان به طریقی که نیکوتر است مجادله کن» (نحل: ۱۲۵).
۳. *منهاج السنّة* مشهورترین اثر ابن تیمیه، مملو از توهین‌ها و افتراات به مذهب شیعه است.
۴. هرچند از لحاظ عقلی می‌توان آنها را به این لوازم متهم کرد ولی مصالح عمومی جهان اسلام ایجاب می‌کند که در این خصوص کمی منعطف‌تر عمل کنیم.

منابع

قرآن کریم.

«معارف اسلامی: پیامبر (ص) و مسئله اجتهاد (نظام اجتهاد در اسلام)» (۱۳۶۱). در: *هفته‌نامه جهاد*، ش ۴۶، ص ۱۴-۱۵.

«نظام اجتهاد در اسلام: تعریف و ضرورت اجتهاد: اجتهاد رمز جاودانگی و پویایی اسلام» (۱۳۶۱). در: *هفته‌نامه جهاد*، ش ۴۰، ص ۲۴-۲۶.

اباذری، عبد الرحیم (۱۴۲۸). *الامام موسی الصدر*، تهران: مجمع جهانی تقریب بین مذاهب.

ابن عبد البر، یوسف (۱۴۱۴). *جامع بیان العلم و فضله*، تحقیق: أبد الأشبال الزهیری، ریاض: دار ابن الجوزی.

ابن فورک (۱۹۸۷). *مجرد مقالات الشيخ أبي الحسن الأشعري*، بیروت: بی‌نا.

ابن قیم جوزیه، محمد (۱۴۱۱). *إعلام الموقعين عن رب العالمين*، تحقیق: محمد عبد السلام إبراهیم، بیروت: دار الکتب العلمیة.

اشعری، علی بن اسماعیل (۱۹۵۵). *اللمع فی الرد علی اهل الزيغ والبدع*، مصر: حموده غرابه.

امین، سید محسن (۱۴۰۶). *اعیان الشیعة*، بیروت: دار التعارف.

بخاری، محمد (۱۴۲۲). *صحیح بخاری*، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر، بی‌جا: دار طوق النجاة، الطبعة الاولى.

بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۵). *شیخ محمد شلتوت طالیه دار تقریب در عقاید*، تفسیر، حدیث، فقه، *مقارن و همبستگی اسلامی*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

حسین‌زاده، حسین (۱۳۸۱). «رابطه اجتهاد و مسئله تعدد قرائت‌ها از دین»، در: *قبسات*، دوره ۷، ش ۲۳، ص ۷۴-۹۳.

حکیم، محمد تقی (۱۴۳۱). *الاصول العامة للفقهاء المقارن*، تحقیق: وفی شناوه، تهران: مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی.

حموی، یاقوت بن عبد الله (۱۹۹۵). *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.

خسروشاهی، هادی (۱۳۷۴). *اخوان المسلمین*، تهران: مؤلف.

خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۲). *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، قم: مرکز نشر الثقافة الاسلامیة فی العالم.

ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵). *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرناؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة.

۱۵۶ / مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، سال دوم، شماره سوم

رفیعی، علی (۱۳۷۴). «انواع و اقسام اجتهاد»، در: مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی، در: www.imam-khomeini.ir

سعیدی، غلامرضا (۱۳۸۰). *مفخر شرق: سید جمال‌الدین اسدآبادی*، تهران: کلبه شروق.

سید سابق (۱۳۹۷). *فقه السنة*، بیروت: دار الکتب العلمیة.

شلنوت، محمود (۱۹۵۳). *مقارنة المذاهب فی الفقه*، الأزهر: مطبعة محمد علی صبیح.

شنقیطی، محمد الامین (۱۴۱۵). *أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن*، بیروت: دار الفکر.

شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴). *فتح القادیر*، دمشق: دار ابن کثیر.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعۀ مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸). *شیعه در اسلام*، به کوشش: هادی خسروشاهی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ظهیری، عباس (۱۳۷۴). «نقش زمان و مکان در اجتهاد»، در: اجتهاد و زمان و مکان، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی، در: www.imam-khomeini.ir

عبادی زحمت‌کش، مهدی؛ احسان اغلو، اکمل‌الدین (۱۳۸۶). «مدارس امپراتوری عثمانی»، در: *تاریخ اسلام*، ش ۲۹، ص ۱۴۹-۱۷۵.

علی‌زاده موسوی، مهدی (۱۳۹۲). *درس‌نامه نقد وهابیت: پیدایش، جریان‌ها و کارنامه*، تهران: سازمان حج و زیارت.

عماره، محمد (۱۳۷۶). «سیاست شرعی و حکومت‌های بشری»، ترجمه: محمدامین جراحی، در: *حکومت اسلامی*، س ۲، ش ۳، ص ۴۶-۵۳.

کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۴۱۵). *اصل الشیعة و اصولها*، قم: مؤسسه امام علی (ع).

مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). *شش مقاله*، تهران: صدرا.

وزارة الاوقاف والشئون الاسلامیة (۱۴۰۴). *الموسوعة الفقهیة الكويتیة*، کویت: دار السلاسل.

<http://fa.alalam.ir/news/3606701/>

<http://iqna.ir/fa/news/2830473>

http://parstoday.com/fa/middle_east-i85866

www.iribnews.ir/fa/news/2125849/

www.mehrnews.com/news/3564686